

زبان عربی و فلسفه اسلامی

دکتر مصطفی مهدویآرا¹

چکیده:

زبان عربی از دیرباز در خدمت علوم فلسفه و منطق اسلامی بوده است. نقطه اوج این خدمات را میتوان قرن سوم و چهارم اسلامی دانست؛ دوره‌ای که با تأسیس بیت‌الحکمة و دارالترجمه توسط خلفای عباسی فیلسوفان مسلمان با آثار تمدنی یونان باستان آشنا شدند و مترجمانی همچون متی بن یونس و حنین بن اسحاق به ترجمه آثار ارسطو و افلاطون پرداختند. هرچند برخی تفاوت‌های فرهنگی، یا فهم نادرست متن توسط این مترجمان در ابتدا، زوایایی از این آثار را پوشیده گذاشت اما فیلسوفان بعد از ایشان، متوجه این اشتباهات شده و آن را اصلاح نمودند. ولی آنچه مسلم است علی‌رغم وجود زبانهای فارسی، ترکی، پشتو و دیگر زبانهای امت اسلام این زبان عربی است که محملی برای انتقال این میراث قرار میگیرد. حتی فیلسوفان مسلمانی که اصالتاً ایرانی بوده نیز برای بیان اندیشه‌های فلسفی خویش زبان عربی را انتخاب نمودند.

اولین فیلسوف مسلمان –البته پس از یعقوب بن اسحاق ملقب به کندی- یعنی ابونصر فارابی معروف به معلم ثانی اهل فاراب خراسان بوده است، پس از وی میتوان به ابن سینا، سهروردی و... اشاره کرد که علی‌رغم تسلط بر زبان فارسی، افکار و اندیشه‌های فلسفی خود را به زبان عربی نوشتند. در پاسخ به این سوال فرضی که چرا این فیلسوفان زبان عربی را برگزیدند؛ ممکن است گفته شود که این زبان در آن دوران زبان علم و فرهنگ جهان اسلام بوده است و از این طریق توانسته دیگر زبانهای پیرامون خود را مقهور خویش کند. به فرض قبول چنین پاسخی؛ نمیتوان همه عوامل را متوجه جایگاه و منزلت زبان عربی دانست، بلکه ماهیت این زبان و سازوکارهای ساختاری و واژگانی آن به گونهای است که شاید دیگر زبان از آن محروم باشند. به فرض پذیرش چنین پاسخی، باز این سوال مطرح است که چرا فیلسوفان سده‌های اخیر، متفکرانی همچون ملاصدرا، شیرازی، علامه طباطبائی، حاج ملاهادی سبزواری و... در بیان آراء و اندیشه‌های فلسفی خود به زبان عربی روی آورده‌اند؟ نمیتوان گفت که زبان فارسی در دوره‌های مذکور هنوز مقهور عربی بوده است.

جستار حاضر در صدد است با روش توصیفی –تحلیلی به این سوال پاسخ بدهد. بیشک شناخت ظرفیتهای زبان عربی و ساز و کارهای دستوری و واژگانی برای دانشجویان و پژوهشگران این حوزه میتواند –ضمن پاسداشت زبان فارسی- دریچهای به روی ایشان باز کند تا درسهای مقدماتی و واحدهای آموزشی مرتبط با این زبان را جدیتر دنبال کنند. نتایج تحقیق نشان میدهد: ویژگی اشتقاقی بودن این زبان و غنای هشتاد هزار واژگانی زبان عربی، در بیان افکار فلسفی، آن در بین زبانهای زنده دنیا منحصر به فرد کرده است. این مهم، در تعریب متون زبانهای اروپایی و تسهیل آن برای مترجمان عرب زبان خود را نشان میدهد. ویژگی دیگر زبان عربی، ساختار نحوی و دستوری آن است. دو ساختار متفاوت جمله اسمیه و فعلیه و انواع نقشهای دستوری، از زبان عربی ابزاری ساخته است که به تعبیر ویتگنشتاین متأخر، نویسنده را در شکل دهی قضایای فلسفی کمک فراوانی میکند.

کلیدواژه‌ها: فلسفه، زبان عربی، ظرفیتهای زبانی، ویژگیهای دستوری و واژگانی.

¹ (عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری. M.mahdavi@hsu.ac.ir)